

نشست‌های برگزار شده در مؤسسه آموزش عالی بیمه اکو

عنوان نشست: پیشران‌ها و پسران‌های همکاری‌های منطقه‌ای در آسیای
مرکزی و قفقاز

شناسنامه نشست	
واحد برگزار کننده نشست:	مؤسسه آموزش عالی بیمه اکو
مسئول نشست:	دکتر سعید شکوهی (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۳۹۶/۰۶/۲۷
اعضای هیأت علمی:	دکتر ماندانا تیشه‌یار، دکتر مجیدرضا مؤمنی و دکتر سعید شکوهی (اعضای هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)؛ دکتر عباس ملکی (عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی شریف)؛ دکتر الهه کولایی (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)؛ دکتر محسن شریعتی‌نیا (عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر سید رسول موسوی، دکتر پاک آئین، دکتر پاک پرور، آقای علیرضا بیگدلی، دکتر حمید زنگنه و آقای حسن کرابی (نمایندگان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران)
مسأله محوری نشست:	تحلیل وضعیت موجود در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، سیاست‌های بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز و راهکارهایی برای تقویت روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

مقدمه:

با عنایت به چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و این مهم که ایران کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل می‌باشد، نشست پیشران‌های و پسران‌های همکاری‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز که بخشی از نشست‌های سه‌گانه در رابطه با مناطق پیرامونی جمهوری اسلامی ایران بود، با هدف ارزیابی شرایط کنونی و شرایط آتی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و شناسایی آسیب‌ها و راه‌کارهای پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران برای تقویت روابط و نفوذ خود در منطقه، در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۹۶ با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در موسسه آموزش عالی بیمه اکو دانشگاه علامه طباطبائی برگزار گردید. در این نشست اساتیدی از دانشگاه‌های مطرح تهران، نمایندگان وزارت خارجه، سفرا و دیپلمات‌های پیشین ایران در منطقه حضور داشتند و به طرح دیدگاه‌های خود پرداختند.

نشست پیشران‌های و پسران‌های همکاری‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز در قالب سه پنل با عنوان ۱. تحلیل وضعیت موجود در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، ۲. سیاست‌های بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز و ۳. راهکارهایی برای تقویت روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز برگزار گردید. در هر نشست چند سخنران کلیدی به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند و بعد از آن، نوبت به اظهار نظر حاضران و کارشناسان جلسه رسید. در هر نشست، یکی از دانشجویان صاحب‌ایده نیز در این زمینه دیدگاه‌های خود را مطرح نمودند.

اهمیت مسأله:

بعد از پایان جنگ سرد، مناطق در سیاست خارجی کشورها از اهمیت زیادی برخوردار شدند. با از بین رفتن رقابت قطب‌های قدرت (آمریکا و شوروی) مناطق تا حدودی از سیاست‌های مداخله‌گرانه آن‌ها رهایی یافته و از استقلال نسبی در سیاست بین‌الملل برخوردار

شدند. به دلیل اشتراکات و پیشینه تاریخی مشترک، داشتن دغدغه‌ها و نگرانی‌های مشترک یا مشابه، نزدیکی جغرافیایی، اشتراکات فرهنگی و ... کشورهای یک منطقه راحت‌تر قادر به تعامل، حل و فصل مشکلات یا طراحی سامانه‌هایی برای تأمین امنیت یا مقابله با تهدیدها هستند. از این رو، منطقه‌گرایی یک روند مهم در نظام بین‌الملل کنونی محسوب می‌شود. اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بهبود روابط با کشورهای منطقه، تشریک مساعی با آن‌ها برای حل معضلات و مشکلات مشترک و مقابله با تهدیدهای مشترک می‌باشد. از این رو، مناطق پیرامونی از اهمیت زیادی در امنیت ملی و سیاست خارجی ایران برخوردار هستند. از این جهت است که تقویت شناخت از منطقه، آسیب‌شناسی سیاست‌های گذشته و طراحی سیاست‌ها و چارچوب‌های جدید برای تعامل با کشورهای این منطقه‌ها بسیار ضروری، مهم و تأثیرگذار است.

چالش‌های موجود:

در طول نشست سخنرانان، چالش‌های موجود در آسیای مرکزی و قفقاز و روابط ایران با کشورهای این منطقه را تشریح کردند. در این بخش به اختصار به مهم‌ترین چالش‌های مطرح شده اشاره می‌شود:

۱. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ بزرگ‌ترین تحول در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاد. جمهوری اسلامی ایران نمی‌دانست پس از فروپاشی شوروی، با چه کشورهایی روبرو است. تهران با برخی از این کشورها احساس قرابت تاریخی و فرهنگی می‌کرد اما در عین حال، نوعی سردرگمی و عدم شناخت نیز بر این مسأله حاکم بود.

۲. کشورهای منطقه در اوایل استقلال، به دنبال شکل دادن به هویتی مستقل بودند. از این رو، نیاز بود که ایران با آگاهی و حساسیت وارد مسائل فرهنگی و اعتقادی نشود. بنابراین، تهران مجبور بود در حوزه اقتصادی حضور پررنگی در این مناطق فعالیت داشته باشد. اما به دلایل مختلف از جمله تحریم‌ها و عدم عضویت در سازمان WTO نتوانست حضور

موفقیت آمیزی داشته باشد و در این زمینه کشورهایی چون ترکیه، گوی سبقت را از ایران ربودند.

۳. علاوه بر این، همگرایی و همکاری در میان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بسیار کم و ضعیف می‌باشد. تا حدی که حتی در اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع که ظاهراً همگراترین سازمان منطقه است، اختلاف‌نظرهای فراوانی میان اعضا وجود دارد. از این رو، ایجاد توازن در رابطه با این کشورها از دیگر چالش‌های پیش‌روی ایران در این منطقه است.

۴. نقش پدرسالارانه روسیه در این منطقه از دیگر مشکلات ایران برای گسترش روابط با کشورهای منطقه است. مسکو کم‌وبیش در خیلی از مسائل داخلی این کشورها نقش پررنگی دارد و از این رو بسیاری از مسائل سیاست خارجی این کشورها تحت نفوذ کاخ کرملین قرار دارد. روسیه تمایلی ندارد قدرت‌های زیادی را در حیات خلوت خود ببیند. به همین دلیل، از گسترش روابط کشورهای این منطقه با دیگر کشورها از جمله ایران نیز ممانعت می‌کند. ظهور چین و نقش آفرینی آن در اوراسیا و طرح پیشنهادهایی چون یک جاده یک کمربند، باعث شده است این کشور نقش بسیار پررنگی در منطقه ایفا کند و اگر ما نتوانیم در این طرح جایگاه مناسبی برای خود پیدا کنیم، در رقابت با دیگران، عقب خواهیم ماند.

۵. حضور و سرمایه‌گذاری‌های آمریکا و اسرائیل نیز مانع مهمی دیگری برای ایران در این منطقه است. واشنگتن و تل‌آویو به عنوان دشمنان اصلی ایران در نظام بین‌الملل، تمایلی ندارند ایران در مناطق پیرامون حضور و نفوذ داشته باشد. از این رو تمام امکانات و تلاش خود را بسیج کرده‌اند تا مانع از این کار شوند.

۶. مشکلات عرصه سیاست خارجی و تجارت خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، تابع مشکلات کلی ما در سیاست خارجی و تجارت است. یکی از مشکلات ما پس از انقلاب اسلامی، ضعف همکاری‌های منطقه‌ای است. از دیگر چالش‌های موجود در روابط ایران و کشورهای منطقه برداشت و تصویر کشورهای این مناطق از سیاست

خارجی ایران و تصور آن‌ها در مورد ایدئولوژیک محور بودن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که این امر مانع از شکل‌گیری رابطه‌ای پایدار با این کشورها شده است.

۷. در رابطه با مشکلات داخلی موجود در منطقه می‌توان به سیاست ایالات متحده پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اشاره کرد که این کشور با استفاده از ظرفیت ایجاد منازعه سعی در ایجاد فضا برای حضور خود داشته و از این طریق باعث ایجاد بی‌نظمی در این مناطق شده است.

۸. وضعیت روابط کنونی جمهوری اسلامی ایران با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، از دو دهه پیش به این سو، تغییر چندانی نکرده است، به دو دلیل: ۱. فقدان دانش آکادمیک و منضبط نسبت به منطقه؛ ۲. این که، به همین دلیل زبان گفت‌وگو با آن‌ها کشف نشده است. چنین وضعیتی سه علت دارد: الف: این منطقه چه در سطح ادراک مردم و چه از نظر مقامات، هرگز در اولویت‌های ایران نبوده است. ب: ایران همواره خواسته و ناخواسته این منطقه را از پشت عینک روسیه دیده است. ج: بیش از ۲۰۰۰ سند علمی در این مورد تولید شده اما ایران هرگز مراکز آکادمیک قدرتمندی در این زمینه نداشته است.

۹. پسران‌ها را می‌توان در دو بخش منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بررسی کرد. از پسران‌های منطقه‌ای موجود می‌توان به بحران‌های زیست‌محیطی، شکاف‌های قومی و مذهبی، نظام‌های سیاسی اقتدارگرا و معادلات امنیتی اشاره کرد. همچنین در بخش پسران‌های فرا منطقه‌ای می‌توان به افراط‌گرایی مذهبی، دولت‌های حامی نظام‌های اقتدارگرا و قومیت‌گرایی در بعد فرا منطقه‌ای همچون پان‌ترکیسم اشاره کرد. سیاست خارجی ایران بسیار اراده‌گرا می‌باشد و این مسئله تعامل ایران با این کشورها را دچار مشکل می‌کند.

۱۰. توجه بیش از حد ایران به حوزه تمدنی و فرهنگی، سبب غفلت از اولویت‌های دیگر شده است. در بحث همگرایی منطقه‌ای، ارتباط ذهنی (MENTAL CONNECTIVITY) اهمیت بسیار دارد و ایران هنوز نتوانسته در ک‌بکند که مشترکات فرهنگی میان ایران و

این کشورها تا چه حدی برای هر دو طرف قابل فهم است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به آسیای مرکزی و قفقاز در حد آرزوها باقی مانده است.

توصیه‌های سیاستی:

۱. به منظور افزایش نقش ایران در تحولات منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، لازم است بر روی سازمان‌های منطقه‌ای موجود در منطقه سرمایه‌گذاری کرد که این کم‌هزینه‌ترین راه می‌باشد.
۲. اقداماتی از قبیل تهیه اسناد راهبردی کوتاه‌مدت و بلندمدت، اتخاذ رویکرد واقع‌گرایانه نسبت به مناطق مذکور، مدنظر قرار دادن نقش آفرینی قدرت‌های بزرگ، سرمایه‌گذاری بر روی کشورهای خاص و بهره‌گیری از ظرفیت کشورهای هم‌چون افغانستان، از جمله راهکارهای بهبود همکاری‌های منطقه‌ای در آسیای میانه و قفقاز است.
۳. ایران دائماً درگیر روندهایی است که در سیاست خارجی در حال «شدن» هستند، برای اینکه تحول مثبتی در سیاست خارجی رخ دهد، ایران باید صبورانه به «روند شدن» در سیاست خارجی خود مساعدت کند. یعنی سیاست خارجی ایران اهداف مشخصی برای خود در منطقه تعریف کند و این تبدیل به روندی برای پیگیری باشد و با تغییر دولت‌ها و افراد، این اهداف دچار خلل نشوند.
۴. همگرایی در سیاست‌های منطقه‌ای شرط اصلی محقق شدن الزامات ایران در منطقه است و جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کند تا روابط دو جانبه خود را با کشورهای این منطقه حفظ کند. بنابراین، رسیدن به شناخت مشترک، شفافیت، پرهیز از سیاست‌های تنش‌زا و همکاری در حوزه‌های فنی و تکنیکی می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد.
۵. ایران باید با رویکرد جدیدی که آمریکا-محور نباشد به اوراسیای جدید وارد شود. دید ایران نسبت به منطقه این است که این کشورها یا تحت تأثیر روسیه هستند یا آمریکا. به همین دلیل، با این ذهنیت وارد تعامل می‌شود و موفق هم نمی‌شود. ضرورت دارد ایران دریابد که این کشورها بعد از سال‌ها تبعیت از کشورهای بزرگ‌تر، تلاش دارند هویت

- مستقل و سیاست خارجی متفاوتی برای خود تعریف کنند. از این رو لازم است ایران سیاست و اهدافی برای خود تعریف کند که به این خواسته‌ها احترام می‌گذارد.
۶. تأکید بر تعریف جمهوری اسلامی ایران از اوراسیای جدید و شناخت ویژگی‌های آن و بازتعریف منافع ملی منطبق با تعریف جدید اوراسیا باعث بهبود روابط ایران با کشورهای این منطقه خواهد شد.
۷. ایران باید ظرفیت‌های اقتصادی خود را در منطقه به درستی بشناسد. آسیای مرکزی و قفقاز نیاز به یک طراحی جدید دارد. طرح یک کمربند یک جاده، فرصت بسیار مناسبی برای ایران است و می‌توان از آن به خوبی استفاده نمود. لازم است ایران با مذاکره فعال با چین، جایگاهی مناسب برای خود در این طرح تعریف کند و خود را در کانون مسیرهای آن به آسیای مرکزی و قفقاز قرار دهد.
۸. جمهوری اسلامی ایران به دلیل قدرتی که در موازنه سازی در آسیای مرکزی دارد می‌تواند جایگاه خود در این منطقه را ارتقاء دهد؛ به شرط اینکه تهران ابتدا تصویر روشنی از منطقه برای خود ترسیم کرده و سپس سیاست‌های روشن و واقع‌بینانه‌ای نسبت به منطقه را اعلام کند و از هرگونه پنهان‌کاری و ارتباط با گروه‌های فرو ملی و حساسیت‌زادوری کند.
۹. باید به ساختار و کارگزار نگاه جامع داشته باشیم و بتوانیم بر اساس داده‌ها، نقاط ضعف ارتباطات و الزامات را به خوبی تشخیص دهیم. ما تاکنون عمدتاً به ساختار توجه داشته‌ایم و از پرداختن به نقش کارگزاری کشورهای منطقه غافل بوده‌ایم. باید نگاه خود را تغییر داده و با دیدی متعادل به بازتعریف منطقه پردازیم.
۱۰. تأکید بر استفاده از رهیافت دیپلماسی همسایگی متعادل در منطقه قفقاز، حفظ ارتباط با همه طرفین، توجه به میانجی‌گری، استفاده از رهیافت دیپلماسی چندجانبه و استفاده از ظرفیت منطقه‌گرایی نوین می‌توانند از عوامل بهبود روابط ایران با کشورهای منطقه باشند.
۱۱. ایران باید مثل ژاپن و هند از حوزه‌های سیاست ادنی مثل سلامت و اقتصاد و ساختمان‌سازی به منطقه ورود کند. این امر حساسیت‌ها را کاهش داده و زمینه‌های همگرایی و همکاری در دیگر حوزه‌ها را هم تقویت می‌کند.

۱۲. تأسیس پژوهشکده علمی دائمی، انجام کارهای پژوهشی و کارشناسی و تقویت عملکرد رسانه‌ای از جمله راهکارهای گسترش حضور در این منطقه است.
۱۳. ایران باید در مرحله اول این منطقه را به‌عنوان یک زیرسیستم بشناسد و بتواند مناسبات قدرت، روابط درون منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را به‌درستی تحلیل کند. بدون حصول این شناخت، روابط دوطرفه بر مبنای درستی نخواهد بود و مانا نخواهد بود.
۱۴. پروژه چابهار باید جدی گرفته شود. این بندر می‌تواند راه ارتباطی هند و چین با آسیای مرکزی را هموار سازد. حتی می‌تواند در ابتکار یک جاده یک کمربند چین نیز یک امتیاز فوق‌العاده برای ایران فراهم آورد تا خود را به منطقه پیوند دهد.
۱۵. ضرورت دارد برای ارتباط گیری با کشورهای منطقه به ابعاد جدید دیپلماسی، نظیر پارادایم‌های دیپلماسی شهرها و گروه‌های فرو ملی می‌توانند در حوزه‌های مورد علاقه و کمتر حساس دست به تعامل زده و راه‌های نزدیکی دو طرف و تعمیق پیوندها را فراهم آورند.
۱۶. لازم است سرمایه‌گذاری بر روی منطقه خاورمیانه تعدیل شده و بخشی از آن در منطقه آسیای میانه و قفقاز سرمایه‌گذاری شود. ایران همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد خاورمیانه گذاشته است و هزینه‌های زیادی را هم از این بابت متحمل می‌شود. اما با تعدیل سرمایه‌گذاری و توجه به دیگر مناطق می‌توان دستاوردهای بسیار بیشتری فراهم آورد.
۱۷. لازم است وزارت امور خارجه ایران یک سند راهبردی و یک نقشه راه در ارتباط با منطقه تهیه کند. جایگاه آن را تعریف کرده، اولویت‌ها و اهداف ایران را مشخص نموده و استراتژی و تاکتیک‌ها و ابزارهای رسیدن به آن‌ها را نیز به‌طور ملموس تعیین نماید.
۱۸. ارتباط وزارت خارجه با نخبگان دانشگاهی در این زمینه بسیار محدود است. از دیدگاه‌های نخبگان دانشگاهی استفاده زیادی نمی‌شود. لازم است حلقه ارتباطی بین این دو شکل بگیرد تا با هم‌افزایی بتوانند در برآوردن منافع ملی موفق عمل کنند.